

واکاوی مبانی فقهی ایجاد محدودیت در مقدار مهریه

فاطمه کاویانی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

چکیده

با وجود اینکه از نظر شرعی و قانونی، مهریه محدودیت مقداری ندارد و تابع توافق زوجین است، مهریه‌های سنگین اثرات منفی عمیقی بر جامعه و خانواده گذاشته است. این اثرات شامل افزایش طلاق، زندانی شدن مردان، فروپاشی خانواده‌ها، کاهش رغبت جوانان به ازدواج، سوءاستفاده از مهریه و فشارهای اقتصادی و روانی بر مردان است. این مقاله با تکیه بر مبانی فقهی و حقوقی مانند «حکم حکومتی»، «قاعده لاضرر و لاضرار»، «قاعده نفی عسر و حرج» و «تقدم مصلحت نوعیه بر مصلحت شخصیه»، توجیه می‌کند که حکومت اسلامی برای جلوگیری از مفاسد و آسیب‌های اجتماعی ناشی از مهریه‌های سنگین، می‌تواند با وضع قوانین و سازوکارها، ضمانت اجرایی مهریه را تا سقف معینی محدود کند (مثلاً ۱۱۰ سکه) و در مازاد بر آن، صرفاً توانایی مالی زوج برای پرداخت را ملاک قرار دهد و از حبس یا توقیف اموال جلوگیری کند. این رویکرد به دنبال بازگرداندن مهریه به فلسفه اصلی آن (نماد محبت و تعهد) و جلوگیری از تبدیل آن به ابزار فشار یا کسب درآمد است. همچنین پیشنهاداتی برای تغییر نگاه اجتماعی به مهریه و تقویت راهکارهای حمایتی جایگزین برای زنان (مانند شروط ضمن عقد و تسهیل حق طلاق در صورت عسر و حرج) ارائه می‌دهد تا ضمن حفظ حقوق زن در یک سقف معقول، از آسیب‌های گسترده اجتماعی جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: استیفای مهریه؛ چالش‌های مهریه؛ مهریه‌های سنگین؛ محدودیت در میزان مهریه؛ حکم حکومتی.

مقدمه

در فقه امامیه، مهریه به عنوان حق مالی زن ناشی از عقد نکاح شناخته می‌شود. بر طبق ادله شرعی و اصل حاکمیت اراده، زوجین می‌توانند هر مالی را به عنوان مهریه تعیین کنند، مشروط به اینکه شرایط شرعی را داشته باشد. ادله معتبر شرعی نشان‌دهنده عدم محدودیت شرعی در مقدار مهریه است. عدم محدودیت شرعی و قانونی و برخی انگیزه‌های شخصی و اجتماعی باعث رواج مهریه‌های سنگین در ازدواج‌ها شده است. با توجه به اسناد موجود، مهریه‌های سنگین، تأثیرات چندبعدی و عمیق بر ساختار خانواده و جامعه گذاشته است. تشدید نرخ طلاق و گسست خانوادگی، افزایش طلاق‌های توافقی اجباری از پیامدهای مهریه‌های سنگین است. مهریه‌های کلان ممکن است زنان ناراضی از زندگی مشترک را به طلاق ترغیب کند، زیرا آن را به عنوان پشتوانه مالی می‌پندارند؛ در حالیکه مهریه باید تسهیل‌کننده زندگی باشد، نه تسهیل‌کننده طلاق. مهریه‌های سنگین، فشار اقتصادی بر مردان را افزایش داده و پیامدهای روانی را بر آنها تحمیل می‌کند. با اجرایی شدن مهریه، مردان با مسدود شدن حساب‌ها، توقیف اموال و ممنوعیت خروج از کشور، توانایی معیشتی خود را از دست می‌دهند و گاه به دلیل عدم پرداخت مهریه زندانی می‌شوند که این مسئله باعث از دست دادن شغل، افت اجتماعی و آسیب‌های روانی می‌گردد. مهریه‌های سنگین، ازدواج را از پیمان عاطفی به معامله مالی تبدیل می‌کند و بر پایه‌های احساسی زندگی مشترک سایه می‌اندازد. اجرای مهریه غالباً به کدورت بین دو خانواده منجر می‌شود و شبکه‌های حمایتی سنتی را تخریب می‌کند. چنین وضعیتی در خانواده و اجتماع، ترس مردان از تعهدات مالی سنگین ازدواج را بالا می‌برد و به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش سن ازدواج و کاهش نرخ تشکیل خانواده است. از طرف دیگر، زنان برای عدم اجرای مهریه تحت فشار جامعه قرار می‌گیرند و قربانی فرهنگ مصلحت‌اندیشی می‌شوند. در مقام عمل نیز بیشتر زنان به دلیل اعسار مرد یا پنهان‌سازی اموال، موفق به وصول مهریه نمی‌شوند. مهریه‌های سنگین نه تنها حلقه‌های زنجیر بر پای مردان می‌اندازد، بلکه زنان را نیز در دام توهم امنیت اقتصادی رها می‌کند.

اصلاح چنین وضعیتی، متوقف بر عوامل متعددی همچون اصلاح فرهنگ نگاه به مهریه در ازدواج (بازتعریف مهریه به عنوان نماد تعهد، نه ابزار سلطه)، اصلاحات اقتصادی و ایجاد سازوکارهای حمایتی جایگزین برای زنان است. یکی از این راه‌کارها اصلاحات قانونی در رابطه با مهریه است. قانون‌گذار ایران با هدف کاهش پیامدهای اجتماعی مهریه‌های سنگین، محدودیت‌هایی ایجاد کرده است. مهریه بالای ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی غیرقابل وصول است، مگر اینکه تمکن مالی زوج در زمان مطالبه اثبات شود. در حال حاضر، پیشنهادات دیگری نیز در رابطه با اصلاح قوانین مهریه مطرح است؛ مثل الزام ثبت مهریه تا سقف معین و کاهش ضمانت اجرای کیفری (حبس) برای مهریه‌های بالای ۱۴ سکه یا جایگزینی حبس با پابند الکترونیکی به منظور کاهش جمعیت زندان‌ها، که البته با چالش‌هایی مانند محدودیت‌های شغلی برای محکومان همراه شده است. از سوی دیگر، این محدودیت‌ها موقعیت اقتصادی زنان را تضعیف می‌کند، زیرا مهریه تنها ابزار حمایتی در برابر حقوقی مانند انحصار حق طلاق برای مردان است. با حذف ضمانت اجرای کیفری، امکان مطالبه مهریه برای زنان کم‌درآمد دشوارتر می‌شود و امنیت زنان را کاهش می‌دهد. زنان برای دریافت مهریه، ناچار به مصالحه در طلاق‌های یکطرفه می‌شوند و طلاق‌های توافقی اجباری افزایش می‌دهد. علاوه بر این، کاهش سقف مهریه ممکن است با موازین شرعی تعارض داشته باشد که نیازمند چاره‌جویی و بررسی‌های فقهی است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با بررسی منابع فقهی، قوانین مدنی و آرای قضایی در پی تبیین مبانی مشروعیت سنجی محدودیت‌های مهریه با تکیه بر ادله فقهی و مصالح اجتماعی در راستای حکمرانی دینی هستیم.

۱. مفهوم مهریه در لغت، فقه و حقوق

در زبان فارسی، «مهر» مرادف با کابین (معین، ۱۳۸۵، ج ۴ ص ۴۴۶۲) است، و در زبان عربی به معنای «اجر» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق.م، ج ۲ ص ۴۹۱) است که اجر دارای دو معناست؛ یکی جزای عمل و دیگری جبران نقص، که ممکن است هر دو به یک معنا باز گردد (همان، ج ۱ ص ۳۹). در قرآن کریم از آن با الفاظ صدق (نساء: ۴)، نحل (نساء: ۴) و فريضه (بقره: ۲۳۷) تعبیر شده است.

مهریه در فقه و حقوق، مالی است که به موجب عقد نکاح، مرد موظف به پرداخت آن به زن می‌شود. این مال می‌تواند وجه نقد، مال غیرمنقول، یا هر چیزی که ارزش مالی داشته باشد، باشد. در واقع، مهریه به عنوان یک تعهد مالی از سوی مرد در قبال زوجه در نظر گرفته می‌شود و به عنوان عوض بهره‌مندی از حقوق زناشویی مطرح است.

در اصطلاح فقه، مهر مالی است که به سبب عقد نکاح و وطی غیر زنا و غیر ملک یمین مثل وطی بالشبهه و نکاح فاسد، زوج ملزم به پرداخت آن به زوجه می‌شود. (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۹) مهر در اصطلاح حقوقی، مالی است که با تحقق عقد نکاح، شوهر را ملزم به پرداخت آن به زوجه می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۸)

مهریه در اسلام، با هدف اصلاح و دگرگونی آداب گذشتگان وضع شده است. در اسلام، شوهر حق پس‌گرفتن مهریه از زن را ندارد. در گذشته، نگرش جامعه به مهریه، بهای زن بود که اسلام این گمان نادرست از مهریه را اصلاح کرد و آن را هدیه‌ای به زن، نه بهای او معرفی کرده است. (شفق، ۱۳۸۸، ص ۸)

۲. تغییر کارکرد مهریه از نماد محبت به ابزار اقتصادی

مهریه در سنت اسلامی، کارکرد و ماهیتی نمادین و عاطفی دارد. در ادبیات قرآنی، از مهریه به «نَحْلَه» یاد شده است. خداوند در آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً» یعنی مهریه زنان را به عنوان نحله بپردازید. نحله یعنی هدیه‌ای از روی طیب خاطر پرداخت می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ص ۷۹۵) و نشانه‌ای از صداقت و احترام مرد به زن است. در این دوره، مهریه کارکرد عاطفی داشت و به عنوان نماد تعهد، بدون چشم‌داشت مادی پرداخت می‌شد. به مرور زمان در جوامع قدیم، مهریه تضمینی برای امنیت مالی زن در برابر محرومیت‌های ارثی (مثل محرومیت زنان از ارث زمین) یا بی‌سرپرستی بود، اما هرگز به عنوان ابزار فشار اقتصادی تعریف نمی‌شد و تأکید پشتوانه اقتصادی، حداقلی بود.

کارکرد دیگر مهریه از گذشته تاکنون، ابزاری برای زنان در مقابل حق طلاق مردان بود. در نظام حقوقی ایران، حق طلاق عمدتاً در اختیار مردان است و زنان یا درخواست طلاق قضایی می‌کنند به سبب اموری همچون عسرو حرج که با نظر حاکم شرع و قاضی، طلاق داده می‌شوند و یا با پرداخت مالی به شوهر، او را راضی به طلاق می‌کنند که این مال، معمولاً همان مهریه‌ای است که یا دریافت کرده‌اند و یا به صورت دین برعهده شوهر است. بنابراین می‌توان مهریه را به اهرمی برای چانه‌زنی زنان برای دریافت برخی از مطالبات دانست.

با تغییرات اجتماعی و تبدیل خانواده‌های سنتی و گسترده به خانواده‌های هسته‌ای و گسترش شهرها و شهرنشینی، شناخت افراد جامعه از یکدیگر کمتر شد و اعتماد اجتماعی کم‌رنگ گردید و اعتماد متقابل زن و مرد به یکدیگر کاهش یافت. مهریه‌های کلان پاسخی به بی‌اعتمادی نهادینه‌شده در روابط خانوادگی است. عبارت «مهریه را کی داده، کی گرفته» نشان‌دهنده ذهنیتی است که مهریه را نه تعهدی اخلاقی، بلکه بازی اقتصادی می‌داند. اما این عبارت، رفته رفته، تغییر پیدا کرده و مردان در مواجهه با این واقعیت قرار داده است. در حقیقت، مهریه تبدیل به ضمانت‌نامه شده است و خانواده‌ها مهریه بالا را ضامن آینده دختران می‌دانند، در حالی که مردان برای کاهش ریسک مالی، به دنبال حداقل‌سازی آن هستند.

در دهه‌های اخیر، مهریه در جوامع ایرانی به مکانیسمی برای نمایش منزلت طبقاتی تبدیل شده است. این پدیده با دو شاخص اصلی قابل شناسایی است: یکی تعیین مقدار مبتنی بر نمادهای شخصی (مانند تطابق تعداد سکه‌ها با سال تولد زوجه) و دیگری فقدان تناسب با واقعیت‌های اقتصادی. با تغییرات کارکردی مهریه، برخلاف فلسفه اولیه در فقه اسلامی که آن را «نَحْلَه» یعنی هدیه‌ای مبتنی بر مودت و محبت می‌دانست، اکنون به ابزاری برای تفاخر اجتماعی و رتبه‌بندی خانوادگی در شبکه‌های خویشاوندی و چشم‌وهم‌چشمی‌های کورکورانه تغییر یافته است.

۳. اقسام مهریه در فقه و قانون

مهریه به اعتبار ذکر و تعیین آن در عقد ازدواج یا چگونگی پرداخت آن بر چند قسم است:

۱-۳. مهرالمسمی

مهرالمسمی عبارت است از مال معینی که به عنوان مهر در ضمن عقد یا پس از آن، با توافق زوجین، یا شخصی که زوجین انتخاب کرده‌اند، تعیین می‌شود. گاهی در کلمات فقها از مهرالمسمی به «فرض» تعبیر می‌شود. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۷، ص ۴۳۳). برای صحت مهری که در عقد نکاح تعیین می‌شود شرایطی ذکر شده است:

الف. قابلیت تملک

مهریه باید قابلیت تملک داشته باشد (قانون مدنی ایران، ماده ۱۰۷۸). مقصود از قابلیت تملک، آن است که مسلمان به حکم شرع، بتواند مالک آن شود، بنابراین مثل خوک و شراب که شخص مسلمان نمی‌تواند مالک آن شود، نمی‌تواند به عنوان مهریه قرار گیرد. اگر چیزی که قابلیت تملک ندارد، به عنوان مهریه قرار گیرد، برخی فقها معتقدند که چنین عقدی باطل است (طوسی، ۱۴۰۰ ه.ق، ص ۴۶۹) ولی در مقابل، شهرت فقهی بر این است که اصل عقد صحیح است ولی مهریه آن باطل است (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۹).

ب. واجد مالیت

مهریه باید مالیت داشته باشد (قانون مدنی ایران، ماده ۱۰۷۸) یعنی ارزش مالی داشته و در بازار اقتصادی دارای ارزش معاوضه باشد، اگرچه عادتاً با آن معامله نمی‌کنند. این مال ممکن است به شکل‌های مختلفی باشد: ۱. عین معین. مانند خانه معین. اگر مهریه، عین خارجی باشد باید در هنگام عقد ازدواج وجود داشته باشد. ۲. کلی. چه کلی معین مانند چند کیلو از یک خرمین خاص گندم، یا کلی غیر معین باشد، مثل یک سکه تمام بهار آزادی. ۳. منفعت عین. مثل منفعت ده ساله یک منزل. ۴. منفعت عمل و کار. مثل تعلیم قرآن، آموزش رانندگی. (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۹).

ج. قابلیت نقل و انتقال به دیگری

مهریه باید قابلیت داشته باشد که به ملک دیگری درآید. بنابراین اموالی که قابل اختصاص یا انتقال به غیر نیستند، نمی‌توانند به عنوان مهریه قرار گیرند. مثل موقوفات و اموال عمومی. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق، ج ۶، ص ۷)

د. معلوم بودن

معلوم بودن مهریه باید به گونه‌ای باشد تا از ابهام و جهالت خارج گردد. شرط معلوم بودن در مهریه با معلوم بودن عوضین در بیع و سایر معاوضات متفاوت است. در مهر، معلوم بودن تفصیلی لازم نیست، بلکه اگر با وصف، اشاره و مشاهده، رفع جهالت شود، کافی است (حلی، علامه، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۱۴۱). اگر مهر به کلی مجهول باشد، مهر المسمی باطل شده و مهرالمثل ثابت می‌شود (حلی، محقق، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۲، ص ۲۶۹).

۲-۳. مهرالمثل

در مواردی که زن حق دریافت مهر را دارد، اما مقدار آن تعیین نشده است، حق مالی زن، مهرالمثل نامیده می‌شود. تعیین مهرالمثل بر حسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ شرافت خانوادگی و اجتماعی، تحصیلات، سن، زیبایی و سایر صفات، و همچنین با توجه به وضعیت اقارب و نزدیکان او تعیین می‌گردد (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۴، ص ۳۸۲).

۳-۳. مهرالمتعه

مهری که در فرض وقوع طلاق، قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی، به عهده مرد قرار می‌گیرد (نجفی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۷). بنابراین برای وجوب پرداخت مهرالمتعه به زن سه شرط لازم است: الف. در عقد نکاح مهری ذکر نشده باشد و بعداً نیز زوجین آن را تعیین نکرده باشند. ب. میان زوجین نزدیکی واقع نشده باشد. ج. جدایی میان زوجین از طریق طلاق باشد. بنابراین اگر جدایی از طریق فوت، فسخ، لعان و ... باشد، چنین مهری بر ذمه زوج نخواهد بود (همان، ص ۵۱).

۴. مقدار مهریه

نسبت به مقدار مهریه در بین علما از جهات متعدد بحث شده است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۴-۱. کمترین مقدار مهریه

فقه‌های امامیه، حدّ خاصی برای کمترین مقدار مهریه قرار نداده و معتقدند هر چیزی که دارای مالیت و ارزش مالی باشد برای قرار دادن مهر کفایت می‌کند، هر چند مقدار آن خیلی کم باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۸، ص ۱۶۶).

دلیل بر قول مشهور روایات فراوانی است که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف. روایاتی که مضمون آنها این است که هر چیزی که زوج و زوجه بر آن راضی باشند، جایز است مهر قرار گیرد. در این روایات عبارت «ما تراضی علیه» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۲۱، باب ۱ از ابواب المهور، ج ۲) یا «قلّ او کثر» (همان، ج ۶) آمده که دلالت بر عدم تقدیر در کمترین مقدار مهر دارد.

ب. روایاتی که در آنها مثال‌هایی از مهرهای بسیار کم ذکر شده است. مثل «تَمَثَّلْ مِنْ سَكَّر» (همان، ج ۲)، «وَلَوْ بِخَاتَمٍ مِنْ حَدِيدٍ» (نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۱۵، ص ۵۹).

۴-۲. بیشترین مقدار مهریه

نسبت به نهایت و بیشترین مقداری که می‌تواند مهر قرار گیرد، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: عدم محدودیت حداکثری مهریه

طبق این دیدگاه محدودیتی نسبت به حداکثر مهریه وجود ندارد و هر مقداری که زن و مرد به آن راضی شوند می‌تواند مهر قرار گیرد. بسیاری از فقها این دیدگاه را قبول دارند و حتی ادعای اجماع بر این دیدگاه مطرح شده است. (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۱۳).

دلیل بر این دیدگاه، علاوه بر استناد به برخی آیات قرآن (نساء: ۴ و ۲۴؛ بقره: ۲۳۷) روایاتی است که با صراحت، عدم محدودیت در مقدار مهریه را چه از جهت قلّت و چه از جهت کثرت بیان کرده‌اند.

روایت اول: امام باقر(ع) فرموده‌اند: «الصَّدَاقُ مَا تَرَاضِيَا عَلَيْهِ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ فَهَذَا الصَّدَاقُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۲۱، ص ۲۴۰): مهریه آن مقداری است که بر آن توافق صورت گیرد چه کم باشد و چه زیاد، این مهریه است.

روایت دوم: امام باقر(ع) در روایت دیگری می‌فرمایند: «الصَّدَاقُ كُلُّ شَيْءٍ تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ قَلًّا أَوْ كَثْرًا فِي مُتَعَةٍ أَوْ تَزْوِيجٍ غَيْرِ مُتَعَةٍ» (همان): صدّاق (مهریه) هر چیزی است که دو طرف (زوجین) بر آن تراضی و توافق کنند، کم باشد یا زیاد، چه در نکاح مُتَعَةٍ (ازدواج موقت) و چه در غیر مُتَعَةٍ (ازدواج دائم).

بنابراین مهریه می‌تواند هر چیز باارزشی باشد که زوجین بر آن توافق کنند و میزان آن نیز کاملاً به توافق آن‌ها بستگی دارد و این حکم هم در ازدواج دائم و هم در ازدواج موقت جاری است.

دیدگاه دوم: عدم جواز مهریه بیش از مهرالسنة

مهر السنة عبارت است از مقدار مالی که رسول خدا(ص) آن را برای هر یک از همسرانش به عنوان مهر قرار داد، و آن پانصد درهم شرعی است. سید مرتضی به این نظریه، فتوی داده است (سید مرتضی، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۲۹۲).

۴-۳. مقدار مستحب و راجح برای مهریه

از مباحث گذشته روشن شد که مهریه، چه از جهت قلت و چه از جهت کثرت، محدود به مقدار معینی نیست که غیر از آن مقدار، صحیح نباشد، بلکه تابع رضایت و توافق طرفین است. در عین حال، همه فقها قائلند که کم بودن مهر مستحب و زیاد بودن آن مکروه است و در این مبحث اختلاف نظری نیست (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۳۰۲؛ طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق، ج ۴، ص ۲۷۳).

روایات زیادی بر استحباب کم بودن مهریه و کراهت زیاد بودن آن دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُنَّ وَجْهًا وَ أَقْلَهُنَّ مَهْرًا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۲۰، ص ۳۱): بهترین زنان امت من، خوب روتترین و کم مهریه ترین آنان هستند. شیخ صدوق (ره) در روایت دیگری از امام صادق (ع) چنین نقل کرده است: «أَنَّ مِنْ بَرَكَهٍ الْمَرْأَةُ قَلَّةٌ مَهْرُهَا وَ مِنْ شُومٍ كَثَرَةُ مَهْرُهَا» (همان، ص ۱۱۲): کمی مهریه زن از برکات اوست و زیادی مهریه‌اش از شومی اوست.

۵. چالش‌های ایجاد محدودیت در مقدار مهریه

کسانی که مخالف ایجاد محدودیت در مقدار مهریه‌اند معتقدند که حاکمیت نمی‌تواند محدودیت قانونی برای مقدار مهریه ایجاد کند؛ زیرا وجود مهریه در ازدواج، یک حکم شرعی و قانونی است و از نظر شرعی، تعیین میزان مهریه تابع تراضی زوجین و بسته به وضعیت زوجه است و تعیین حداقل یا حداکثر برای آن، برخلاف شرع و قانون است. این افراد تأکید می‌کنند که چگونه مدافعان تحدید مهریه در برابر چنین قانون فقهی محکمی (تراضی زوجین) قد علم می‌کنند و برای حفظ حقوق مردان به دنبال راهکارهایی برای کمرنگ کردن این حق قانونی و فقهی زنان هستند. (شریفی و دیگری، ۱۳۹۳، ص ۴۵)

ضعف بسترهای قانونی و بی‌ثباتی و عدم تعادل در قلمرو مهریه، یکی دیگر از چالش‌های ایجاد محدودیت در مقدار مهریه است. قوانین موجود درباره مهریه دارای خلأها، ابهامات و نواقصی هستند که باعث می‌شود اجرای آن‌ها دشوار و غیرشفاف باشد. این ضعف‌ها شامل نبود مقررات دقیق و هماهنگ، روندهای بوروکراتیک پیچیده و امکان سوءاستفاده یا تقلب نسبت به قانون می‌شود. به عبارت دیگر، چارچوب قانونی مهریه به اندازه کافی قوی و کارآمد نیست تا حقوق طرفین را به درستی تضمین کند.

تأکید زیاد بر ایجاد محدودیت در مقدار مهریه، بدون محدودیت در اختیارات زوج خصوصاً مسئله حق طلاق، باعث عدم تعادل در حقوق زوجین می‌شود. با این توضیح که ایجاد محدودیت در مقدار مهریه، به نابرابری یا توازن نداشتن حقوق و تکالیف زوج و زوجه در زمینه مهریه اشاره دارد. ممکن است قوانین یا اجرای آن‌ها به گونه‌ای باشد که حقوق یکی از طرفین (معمولاً زوجه) به خطر بیفتد یا به طور ناعادلانه محدود شود. این عدم تعادل می‌تواند باعث تضییع حقوق و ایجاد نارضایتی و مشکلات خانوادگی شود. (برومند امین، ۱۴۰۳، ص ۱۰۸ و ۱۰۹)

علاوه بر این، جامعه‌پذیری نسبت به حقوق مختلف زنان دچار تردید شده و باعث تزلزل مخاطبان در پایبندی به قواعد حقوقی می‌گردد. به این معنا که محدود کردن مهریه ممکن است به عنوان تضعیف حقوق زنان تلقی شود و از سوی دیگر، موجب بی‌اعتمادی مردم به قوانین شود.

۶. دیدگاه موافقان ایجاد محدودیت در مقدار مهریه

در خصوص محدودیت در میزان مهریه، به عنوان راه‌کاری برای سامان دادن به وضعیت مهریه، مسئله ایجاد محدودیت در مقدار مهریه مطرح شده است. ایجاد محدودیت در مقدار مهریه، از جهات متعدد باید مورد بررسی قرار گیرد:

۵-۱. مبانی فقهی-حقوقی ایجاد محدودیت در مقدار مهریه

در دفاع از این دیدگاه باید بتوان مبانی فقهی و حقوقی آن را تبیین کرد؛ زیرا در گذشته بیان شد که از نظر شرعی و قانونی، محدودیتی برای میزان مهریه وجود ندارد و تابع توافق طرفین است. اگر حکومت و قانون‌گذار در پی محدودیت در تعیین میزان مهریه است باید بتواند با مبانی فقهی و حقوقی از آن دفاع کند. در ادامه به توضیح مبانی فقهی و حقوقی این دیدگاه می‌پردازیم:

۵-۱-۱. جایگاه حکم حکومتی در حکمرانی دینی

حکم حکومتی، در فقه شیعه و حکمرانی دینی، به تصمیمات و مقرراتی گفته می‌شود که حاکم شرع (ولی فقیه یا حکومت اسلامی) با هدف تأمین مصالح عمومی و رفع مشکلات جامعه، فراتر از احکام اولیه شرعی و در چارچوب اصول کلی اسلام وضع می‌کند. این احکام معمولاً ناظر به شرایط و اقتضائات زمان و مکان هستند و می‌توانند موقت یا دائمی باشند. به تعبیر دیگر، در فقه شیعه و نظام جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه (حاکم اسلامی) این اختیار را دارد که برای تأمین مصالح عمومی و جلوگیری از مفاسد اجتماعی، احکام حکومتی صادر کند. این احکام می‌توانند حتی در مواردی که نص صریح بر منع یا جواز وجود ندارد، یا برای جلوگیری از آثار نامطلوب احکام اولیه، وضع شوند. حکم حکومتی، تابع وجود مصلحت است. اگر واقعاً ثابت شود که ایجاد محدودیت در مقدار مهریه، مصلحت نوعیه دارد، حاکم شرع می‌تواند چنین حکمی داشته باشد. (گلشنی و دیگران، ۱۴۰۰، صص ۱۷۹-۱۹۸). برای اثبات اینکه ایجاد محدودیت در مقدار مهریه، دارای مصلحت است به برخی مصالح چنین حکمی اشاره می‌کنیم:

کاهش چالش‌های اجتماعی و اقتصادی

کاهش چالش‌های اجتماعی و اقتصادی به عنوان یکی از ادله موافقان محدودیت مهریه، به این معناست که تعیین مهریه‌های بالا و نامتعارف، باعث بروز مشکلات و آسیب‌های فراوانی در سطح جامعه و خانواده می‌شود. موافقان محدودیت مهریه معتقدند که با تعیین سقف برای مهریه یا ایجاد سازوکارهایی برای عدم وصول مهریه‌های سنگین، می‌توان از این چالش‌ها جلوگیری کرد.

این چالش‌ها را می‌توان به صورت زیر توضیح داد:

۱. چالش‌های اجتماعی

افزایش آمار طلاق و دعاوی خانوادگی: وقتی مهریه سنگین باشد و مرد توانایی پرداخت آن را نداشته باشد، در صورت بروز اختلاف، زن ممکن است برای وصول مهریه اقدام کند که این موضوع به کشمکش‌های طولانی و نهایتاً طلاق منجر می‌شود. از طرفی، برخی مردان نیز به دلیل ترس از پرداخت مهریه‌های سنگین، تمایلی به ازدواج ندارند.

حبس و زندانی شدن مردان: یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، زندانی شدن مردان به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه است. این موضوع علاوه بر آسیب به خود فرد و خانواده‌اش، بار مالی و اجتماعی زیادی را بر دوش دولت و جامعه قرار می‌دهد.

فروپاشی بنیان خانواده: زندانی شدن پدر خانواده به دلیل مهریه، می‌تواند منجر به فروپاشی بنیان خانواده، سرپرستی نامناسب فرزندان و بروز آسیب‌های اجتماعی دیگر شود.

کاهش رغبت جوانان به ازدواج: مهریه‌های بالا می‌تواند مانعی جدی بر سر راه ازدواج جوانان باشد. ترس از بدهی‌های سنگین و تبعات حقوقی آن، باعث می‌شود که جوانان از تشکیل خانواده صرف‌نظر کنند یا ازدواج خود را به تأخیر بیندازند که این خود تبعات اجتماعی نامطلوبی دارد.

رواج ازدواج‌های غیررسمی یا موقت: در برخی موارد، برای فرار از تبعات مهریه سنگین، زوجین به سمت ازدواج‌های غیررسمی یا موقت می‌روند که این نوع ازدواج‌ها نیز چالش‌های خاص خود را در پی دارند و از پایداری خانواده می‌کاهند.

سوء استفاده از مهریه: در برخی موارد، مهریه به ابزاری برای فشار، تهدید یا حتی کسب درآمد تبدیل می‌شود که با فلسفه اصلی مهریه که نشانه‌ای از صداق و محبت است، در تضاد قرار می‌گیرد.

۲. چالش‌های اقتصادی

فشار مالی بر مردان: مهریه‌های سنگین، فشار مالی زیادی را بر مردان، به ویژه قشر جوان و کم‌درآمد جامعه وارد می‌کند. این فشار می‌تواند منجر به بدهی‌های طولانی‌مدت، استرس، و حتی مشکلات روحی و روانی شود.

توقیف اموال و دارایی‌های مرد: در صورت عدم پرداخت مهریه، اموال و دارایی‌های مرد ممکن است توقیف شود که این موضوع می‌تواند به رکود اقتصادی، از دست دادن شغل و فقر خانواده منجر شود.

هزینه‌های دولت: زندانی شدن مردان به دلیل مهریه، هزینه‌های زیادی را برای دولت در پی دارد، از جمله هزینه‌های نگهداری زندانیان و رسیدگی به پرونده‌های قضایی.

اثر منفی بر چرخه اقتصادی: وقتی بخش قابل توجهی از سرمایه یا توان مالی افراد صرف پرداخت مهریه و تبعات آن می‌شود، این امر می‌تواند بر چرخه اقتصادی کشور و سرمایه‌گذاری‌ها نیز تأثیر منفی بگذارد.

بنابراین، موافقان محدودیت مهریه معتقدند که با منطقی کردن میزان مهریه و بازگرداندن آن به فلسفه واقعی‌اش (ابراز محبت و هدیه)، می‌توان از بروز این چالش‌های اجتماعی و اقتصادی پیشگیری کرد و به پایداری خانواده‌ها و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک نمود.

نتیجه: اگر مهریه‌های سنگین و عدم توانایی مردان در پرداخت آن، منجر به مفاسدی چون زندانی شدن گسترده مردان، فروپاشی خانواده‌ها، کاهش ازدواج و آسیب‌های اجتماعی شود، حاکم اسلامی می‌تواند برای دفع این مفاسد و تأمین مصلحت عامه، حکمی حکومتی صادر کند که مثلاً تضمین اجرایی مهریه را تا سقف معینی محدود کند یا برای مهریه سقفی قرار دهد که بالاتر از آن از حمایت قانونی خاصی برخوردار نباشد. این حکم حکومتی، نافذ و لازم‌الاجراست و برای حفظ نظام و جامعه وضع می‌شود. (برومند امین، ۱۴۰۳، ص ۹۵)

۵-۱-۲. قاعده لاضرر و لاضرار

قاعده قاعده لاضرر و لاضرار، یکی از مهمترین قواعد فقهی است که بیان می‌کند: در اسلام، حکم ضرری جعل نشده است. ضرر زدن (به خود یا دیگری) جایز نیست.» (بجنوردی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۱، ص ۲۱۱) تطبیق این قاعده در موضوع مهریه چنین می‌شود که اگر تعیین مهریه‌های بسیار بالا، منجر به ضررهای مالی و جانی (مانند زندانی شدن) برای مرد، ضرر به بنیان خانواده و اجتماع (از هم پاشیدگی خانواده‌ها، کاهش ازدواج) شود، حاکم اسلامی می‌تواند برای دفع این ضرر، وارد عمل شده و سازوکارهایی برای محدود کردن آثار مهریه‌های سنگین وضع کند. به عبارت دیگر، هرچند تعیین مهریه حق زوجین است، اما اگر اعمال این حق به شکلی باشد که موجب ضرر گسترده شود، می‌توان آن را محدود کرد.

۵-۱-۳. قاعده نفی عسر و حرج

در فقه، احکام به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند. احکام اولیه، همان احکام شرعی هستند که بدون در نظر گرفتن شرایط خاص، بر موضوعات مترتب می‌شوند (مثلاً جواز تعیین هر میزان مهریه). احکام ثانویه، احکامی هستند که به دلیل بروز یک عارض یا ضرورت (مثل عسر و حرج، ضرر، یا حفظ نظام)، جایگزین حکم اولیه می‌شوند. در محل بحث، اگر تعیین مهریه‌های سنگین در عمل موجب ضرر و عسر و حرج و اختلال نظام شود، می‌توان از باب «حکم ثانوی»، برای آن محدودیت یا سازوکار خاصی وضع کرد.

این قاعده بیان می‌کند که هرگاه انجام تکلیفی یا اجرای یک حکم شرعی، موجب سختی و مشقت غیرقابل تحمل برای مکلف شود، آن تکلیف یا حکم برداشته می‌شود. (همان، ص ۲۴۹) در محل بحث، اگر پرداخت مهریه‌های سنگین، موجب عسر و حرج

شدید و مشقت غیرقابل تحمل برای بخش قابل توجهی از جامعه (مردان) شود، به نحوی که زندگی عادی آنها مختل گردد، حکومت می‌تواند برای رفع این عسر و حرج، قوانینی وضع کند که مثلاً مردان را از پرداخت کامل مهریه‌های سنگین در شرایط عدم تمکن مالی معاف کند یا پرداخت آن را به صورت اقساط بسیار طولانی مدت (متناسب با توان) درآورد. این همان چیزی است که در قانون حمایت از خانواده، ماده ۲۲ تا حدی رعایت شده است.

۵-۱-۴. تقدم مصلحت نوعیه بر مصلحت شخصیه در حکمرانی دینی

لزوم ایجاد سازوکار قانونی توسط حکومت به عنوان یکی از ادله موافقان محدودیت مهریه، که بر مبنای «تقدم مصلحت نوعیه بر مصلحت شخصیه» استوار است، به این معناست که در مواردی که حقوق و آزادی‌های فردی (مصلحت شخصیه) می‌تواند منجر به آسیب‌ها و مفسد گسترده‌تری در جامعه (مصلحت نوعیه) شود، حکومت و قانون‌گذار وظیفه دارد با وضع قوانین و سازوکارهای مناسب، مصلحت عمومی را مقدم بدارد و از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. در مواردی که دو حکم یا دو مصلحت با یکدیگر تزاخم (تصادم) پیدا کنند، حکم یا مصلحتی که از اهمیت بیشتری برخوردار است (اهم) بر دیگری (مهم) مقدم می‌شود. (همان، ص ۲۵۵)

در محل بحث، «آزادی اراده زوجین در تعیین مهریه» و «حق مالی زن» (مصلحت مهم) در تعارض با «حفظ نظام خانواده»، «سلامت جامعه» و «جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی» (مصلحت اهم) قرار می‌گیرد. با توجه به آثار زیان‌بار مهریه‌های سنگین بر کل جامعه، مصلحت اهم (حفظ نظام و جامعه) بر مصلحت مهم (آزادی مطلق در تعیین مهریه) مقدم می‌شود و لذا حکومت می‌تواند در این زمینه ورود کند.

توضیح این اصل در مورد مهریه چنین است که ما دو معیار و اصل مهم داریم: اصل اول، آزادی اراده زوجین است. از دیدگاه شرعی و قانونی، تعیین مهریه بر اساس تراضی و توافق زوجین صورت می‌گیرد. هر دو طرف آزادند که هر میزان مهریه‌ای را که می‌خواهند (بدون سقف و محدودیت شرعی) تعیین کنند. این حق را می‌توان «مصلحت شخصیه» یا آزادی اراده افراد دانست. اصل و معیار دیگر، حق مالی زن بر مهریه است که با عقد نکاح بر ذمه مرد قرار می‌گیرد و زن می‌تواند آن را هر زمان که بخواهد مطالبه کند. این نیز یک مصلحت شخصیه برای زن محسوب می‌شود.

مصلحت نوعیه و آسیب‌های مهریه‌های سنگین را قبلاً توضیح دادیم که مهریه‌های سنگین و نامتعارف، علیرغم اینکه در ظاهر حق شخصیه زن است و نتیجه توافق فردی زوجین، اما منجر به چالش‌ها و آسیب‌های جدی اجتماعی و اقتصادی می‌شود. این آسیب‌ها شامل: زندانی شدن تعداد زیادی از مردان، فروپاشی خانواده‌ها و آسیب دیدن فرزندان، کاهش آمار ازدواج و افزایش سن تجرد، بار سنگین اقتصادی بر دوش دولت و جامعه (هزینه‌های زندان، پرونده‌های قضایی)، نگاه ابزاری به ازدواج و مهریه، اضطراب و استرس مزمن در مردان و خانواده‌هایشان.

این موارد، همگی مصداق «مفسده نوعیه» یا آسیب به «مصلحت عامه» جامعه هستند. بر اساس اصل تقدم مصلحت نوعیه بر مصلحت شخصیه، حکومت و نهاد قانون‌گذار در اینجا وظیفه دارد که با ورود و ایجاد سازوکارهای قانونی، از بروز این مفسد عام جلوگیری کند، حتی اگر این اقدام به نوعی محدود کردن «آزادی اراده» زوجین در تعیین مهریه به نظر برسد.

بنابراین با وجود اینکه در فقه اولیه اسلام، محدودیتی برای مقدار مهریه وجود ندارد و تعیین آن به توافق زوجین بستگی دارد، اما مبانی فقهی ثانویه و حکومتی (مانند حکم حکومتی، قاعده لاضرر، نفی عسر و حرج، و تقدم مصلحت نوعیه (اهم) بر مصلحت شخصیه (مهم)) به حاکم اسلامی و نظام اجازه می‌دهند که در صورت بروز مفسد و آسیب‌های اجتماعی ناشی از مهریه‌های سنگین، برای حفظ مصالح عمومی و جلوگیری از این آسیب‌ها، سازوکارها و قوانینی را برای محدود کردن آثار آن وضع کند. این قوانین در راستای مصلحت جامعه و جلوگیری از اختلال در نظام اجتماعی وضع می‌شوند.

۶. پیشنهادات و راه کارهایی برای بهبود وضعیت مهریه

راهکارهایی که برای بهبود وضعیت مهریه و ایجاد تعادل بین حقوق مالی زنان و جلوگیری از مشکلات حاد برای مردان پیشنهاد شده، شامل موارد زیر است:

۶-۱. تغییر نگاه به مهریه و بازگشت به «مهرالسنه»

کاهش سقف مهریه تا مهرالسنه: پیشنهاد می‌شود که برای مهریه سقفی تا «مهرالسنه» (مهریه‌ای که در زمان پیامبر اسلام مرسوم بوده) تعیین شود و قانون‌گذار فقط از این میزان حمایت کند.

تفکیک مهریه به دو بخش: مهریه تا این سقف، قابل حمایت و وصول از طریق قانونی باشد و مازاد بر آن به عنوان هدیه در نظر گرفته شود که پرداخت آن به توافق زوجین و توانایی مالی مرد بستگی داشته باشد و حکومت در این زمینه دخالتی نکند. این کار باعث می‌شود که مردان تا آخر عمر بدهکار نباشند.

مهریه به عنوان هدیه و ابراز علاقه: تاکید بر این دیدگاه که مهریه صرفاً نشانه ابراز علاقه و محبت مرد به زن است و می‌بایست بر اساس توان واقعی او پرداخت شود، نه به عنوان ابزاری برای فشار یا کسب ثروت.

۶-۲. تغییر ساز و کارهای قانونی و حمایتی

عدم تضمین حکومتی برای مهریه‌های بالا: پیشنهاد شده است که حکومت ساز و کار قانونی ایجاد کند که هیچ‌گونه تضمینی برای اجرا و وصول مهریه بالا از سوی نظام حکومتی وجود نداشته باشد. این اقدام تشویق می‌کند که افراد جامعه مهریه را در حدود عرف و میزان تمکن مالی خود تعیین کنند.

ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده: اشاره به این ماده قانونی که برای مهریه تا ۱۱۰ سکه، مقررات مربوط به محکومیت‌های مالی اعمال می‌شود، اما برای مازاد بر این میزان، صرفاً توانایی مالی زوج برای پرداخت ملاک است و فرد زندانی نمی‌شود. این ماده به نوعی محدودیت غیرمستقیم برای وصول مهریه‌های سنگین ایجاد می‌کند و مرد را از حبس نجات می‌دهد. حکومت، اجرای مهریه‌های مازاد بر آن سقف را از طریق توقیف اموال یا حبس مرد تضمین نکند.

عندالاستطاعه بودن مهریه مازاد بر توان: پیشنهاد می‌شود که مازاد بر مهریه توافق شده تا سقف مهرالسنه، در صورت توانایی مالی مرد قابل پرداخت باشد و قابل شکایت نباشد. به این معنی که صرفاً در صورت توانایی زوج، اموال وی قابل توقیف باشد.

این سازوکار باعث می‌شود که افراد جامعه تشویق شوند تا مهریه را در حدود توان مالی مرد و بر اساس عرف و مصلحت ازدواج (نه صرفاً به عنوان یک تضمین مالی سنگین) تعیین کنند. در این صورت، مسئولیت مهریه‌های بالا به خود زوجین منتقل می‌شود و به این ترتیب، پرداخت مازاد بر آن سقف، به توافق و تعهد اخلاقی و توانایی مالی خود زوجین واگذار می‌شود و حکومت مسئولیت ضمانت اجرای آن را بر عهده نمی‌گیرد.

۶-۳. تغییر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی

عدم نگاه صرفاً اقتصادی به ازدواج: تاکید بر اینکه نگاه صرفاً اقتصادی به ازدواج اشتباه است و اگرچه اقتصاد در زندگی زناشویی جایگاه خود را دارد، اما رکن اساسی نیست. این تغییر دیدگاه می‌تواند به کاهش تمایل به مهریه‌های سنگین کمک کند. این راهکارها در تلاش‌اند تا با ایجاد تعادل بین حمایت از حقوق مالی زن (به میزان معقول و در حد توان مرد) و جلوگیری از فشارها و مشکلات حاد برای مردان (به ویژه در مورد مهریه‌های سنگین که منجر به حبس یا بدهکاری طولانی مدت می‌شود)، وضعیت مهریه در جامعه را بهبود بخشند.

بنابراین بر طبق این دیدگاه، هرچند تعیین مهریه حق طرفین است، اما وقتی این حق به گونه‌ای اعمال شود که منجر به ضرر و فساد گسترده در جامعه شود، حکومت وظیفه دارد با وضع قانون و سازوکار مناسب، این مفسده عمومی را دفع کند و

مصلحت عامه جامعه را بر آزادی فردی در تعیین مهریه (بدون هیچگونه ضمانت اجرایی برای مبالغ نامتعارف) مقدم بداند. این رویکرد به دنبال یافتن تعادلی است که هم حق زن حفظ شود (حداقل در یک سقف معقول) و هم مردان دچار مشکلات حاد و زندانی شدن نشوند و نهاد خانواده از آسیب‌های جدی در امان بماند.

۷. نتیجه‌گیری جامع و تحلیلی

چالش مهریه‌های سنگین، ریشه‌های عمیق اجتماعی، فقهی و حقوقی دارد و نمی‌توان آن را صرفاً با استناد به آزادی اراده زوجین توجیه کرد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که با وجود عدم وجود محدودیت شرعی و قانونی اولیه برای میزان مهریه، آثار مخرب مهریه‌های نامتعارف بر بنیان خانواده، ساختار اقتصادی و سلامت روانی جامعه، ورود حاکمیت را ضروری می‌سازد. هسته اصلی بحث، تزاخم میان «آزادی فردی و حق مالی زن» (مصلحت شخصی) با «حفظ کیان خانواده، سلامت جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی گسترده» (مصلحت نوعیه) است. مقاله به وضوح استدلال می‌کند که در چنین تزاخمی، فقها و حقوقدانان بر تقدم مصلحت اهم (نوعیه) بر مصلحت مهم (شخصیه) تاکید دارند. این تقدم، مبنای جواز دخالت حاکمیت در تعیین سازوکارهایی برای مهریه می‌شود.

این مقاله با استناد به قواعد بنیادین فقهی نظیر «حکم حکومتی فقیه»، «قاعده لاضرر و لاضرار»، «قاعده نفی عسر و حرج» و «تقدم مصالح نوعیه بر مصالح شخصی» نشان می‌دهد که نظام فقهی اسلام، ابزارهای لازم را برای مواجهه با پدیده‌های نوظهور و آسیب‌زا فراهم آورده است. این مبانی، دست حاکمیت را برای وضع قوانین محدودکننده یا تنظیم‌کننده مهریه (به ویژه در حوزه ضمانت اجرایی) باز می‌گذارد تا از ورود ضرر و عسر و حرج به جامعه جلوگیری شود و مصلحت عمومی تأمین گردد. این اقدام نه در تعارض با شرع، بلکه در راستای تحقق مقاصد شریعت (از جمله حفظ نظام و دفع مفسده) است.

یک نکته تحلیلی مهم، لزوم تفکیک کارکرد مهریه به عنوان «هدیه و صداق» از «ابزار تضمین‌کننده یا مجازات‌کننده» است. مقاله به درستی اشاره می‌کند که تبدیل مهریه به تنها ابزار دفاعی زن در برابر سوءمعاشرت مرد یا به وسیله‌ای برای جبران کامل تمام خسارات وارده، از فلسفه اصلی آن خارج شده و منجر به مشکلات فعلی شده است. این تفکیک، راه را برای یافتن راهکارهای جایگزین و تخصصی‌تر برای حمایت از زنان در موارد سوءمعاشرت مرد (مانند تقویت حق طلاق، شروط ضمن عقد، و تسهیل وصول نفقه) هموار می‌سازد، بدون آنکه نیاز به استفاده از مهریه به عنوان یک اهرم فشار نامتناسب باشد.

در نهایت، نتیجه‌گیری مقاله بر لزوم یک رویکرد جامع و پیشگیرانه تأکید دارد. صرف زندانی کردن مردان یا بی‌توجهی به مشکلات ناشی از مهریه، راه حل نیست. بلکه باید با ایجاد سازوکارهایی که هم حقوق زن (در یک سقف معقول) را تضمین کند و هم مردان را از فشارهای غیرقابل تحمل رها سازد، به سمت سلامت خانواده و جامعه حرکت کرد. این رویکرد شامل بازنگری در فرهنگ عمومی ازدواج، ترویج مهریه‌های متعارف، و تقویت نهادهای مشاوره خانواده نیز می‌شود تا از ریشه‌های این معضل کاسته شود. بنابراین ایجاد محدودیت در ضمانت اجرایی مهریه، نه تضییع حقوق زن، بلکه تلاشی برای اصلاح یک روند اجتماعی زیان‌بار است که با استفاده از مبانی فقهی معتبر و با هدف تأمین مصلحت عمومی، به دنبال بازگرداندن تعادل و سلامت به نهاد خانواده و جامعه است. این اقدام، به مثابه جراحی ضروری برای حفظ پیکر سالم جامعه و جلوگیری از شیوع بیماری‌های اجتماعی ناشی از افراط در یک حق شرعی است.

منابع

۱. قرآن کریم

الف. منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. شفق، غلامرضا، ۱۳۸۸، مهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، قم، دفتر عقل، چاپ اول.
۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ سوم.
۳. قانون مدنی ایران.
۴. معین، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی متوسط، چاپ ۲۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۴ ه.ق، کتاب النکاح، تحقیق: محمد رضا حامدی و مسعود مکارم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم- ایران، چاپ اول، فارسی، (۶ جلد)

مقالات

۱. شریفی، علیرضا و عزیزی، شهریار، ۱۳۹۳، بررسی علل حقوقی ترویج طلاق توافقی، ارائه شده در همایش منطقه ای آسیب شناسی پدیده ی طلاق.
۲. گلشنی، ابودر؛ جعفری، محمد حسین؛ کریمی، محمد حسین، ۱۴۰۰، «واکاوی فقهی و حقوقی مداخله حاکمیت در تعیین میزان مهریه در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۱، خرداد ۱۴۰۰، صفحه ۱۷۹-۱۹۸

پایان نامه

۱. برومند امین، بهاره، ۱۴۰۳، راهکارهای حمایت از تأمین مهریه در جهت کاهش چالش‌های نظام حقوقی ایران، رساله دکترا، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده.

ب. منابع عربی

۱. ابن فارس، أبی الحسین أحمد بن فارس بن زکریّا، ۱۴۰۴ ه.ق، معجم مقاییس اللغة، مرکز النشر- مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۲. بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ موسوی، ۱۴۱۹ ه.ق، القواعد الفقهیة، مصحح: مهدی مهریزی- محمد حسن درایتی، نشر الهادی، قم- ایران، چاپ: اول، ۷ جلد.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ه.ق، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۳۰ جلد، چاپ اول، قم.
۴. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۱ ه.ق، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، مصحح: محمد هادی یوسفی غروی، مؤسسه طبع و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
۵. حلی، محقق جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ ه.ق، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، مصحح: عبد الحسین محمد علی بقال، مؤسسه اسماعیلیان (۴ جلد)، چاپ دوم، قم.
۶. خمینی، سید روح الله موسوی (بی‌تا)، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه دار العلم، چاپ اول، (۲ جلد).
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه.ق، المفردات فی غریب القرآن، مصحح: صفوان عدنان داودی، دار العلم، الدار الشامیة، بیروت- سوریه، چاپ: اول.
۸. سید مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۱۵ ه.ق، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم.

۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ ه.ق، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، (۱۵ جلد)، چاپ اول، قم.
۱۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۵ ه.ق، المقنع، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم- ایران، چاپ: اول.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ه.ق، الخلاف، مصحح: شیخ علی خراسانی- سید جواد شهرستانی- شیخ مهدی طه نجف- شیخ مجتبی عراقی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ: اول، ۶ جلد.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ ه.ق، المبسوط فی فقه الإمامیه، مصحح: سید محمد تقی کشفی، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، تهران.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ ه.ق، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى، دار الكتاب العربی، چاپ دوم، بیروت.
۱۴. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، ۱۴۱۶ ه.ق، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ: اول، ۱۱ جلد.
۱۵. نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، مصحح: شیخ عباس قوچانی بیروت، دار إحياء التراث العربی، (۴۳ جلد)، چاپ هفتم.
۱۶. نوری، حسین، ۱۴۰۸ ه.ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، بیروت.